

## زنان پناهنده افغانی، قربانیان ستم مضاعف!

### داریوش ارجمندی

بیش از دو دهه جنگ، ویرانی و نابودی منابع طبیعی و ثروت عمومی، و بدنبال آن، قحطی و فقر و بی خانمانی، افغانستان را به جهنمی کم نظیر در تاریخ معاصر جهان تبدیل کرده، جهنمی که اکثریت قریب به اتفاق مردم این کشور را در کام شعله های مرگ بار خود کشیده است. میلیون ها نفر، برای فرار از این جهنم، به کشورهای مجاور همچون جمهوری های اسلامی ایران و پاکستان پناه برده اند و تعداد به مراتب بیشتری از آنها، در داخل مرزهای کشور، در آوارگی بسر می برند.

اما نه پناهندگان ساکن ایران و پاکستان، و نه آوارگان درون مرزی را، از جهنم طالبان فراری نیست. در پاکستان، پناهندگان افغانی به مثابه شهروندان درجه دوم و سوم، در حلبی آبادهای حاشیه شهرهایی نظیر پیشاور، به بردگی گرفته می شوند و از هیچ گونه حقوق قانونی و شهروندی برخوردار نیستند. کودکان و زنان افغانی، همچون بردگان، برای ارضای تمایلات جنسی و انجام کارهای شاق در کارگاه ها و مزارع، خرید و فروش می شوند. در ایران، همچنان که خوب می دانیم، پناهندگان افغانی سالها، به مثابه گوشت دم توپ در جنگ ایران و عراق مورد استفاده قرار گرفتند و همانند پاکستان، به سخت ترین و خطرناک ترین مشاغل گماشته شده و می شوند. پناهندگان افغانی که بسیاری از آنها، نزدیک به بیست سال در ایران اقامت داشته اند، همچنان از هرگونه حقوق شهروندی همچون حق انتخاب محل سکونت و یا مسافرت، ازدواج با اتباع ایرانی و این اواخر، اشتغال قانونی، بی بهره اند و علاوه بر همه اینها، دائماً با خطر اخراج و بازگرداندن به جهنم طالبان مواجه می باشند. و اما در داخل افغانستان، قحطی و نبود کامل امکانات اولیه زندگی، بخش عظیمی از مردم را با خطر مرگ روبرو ساخته است. بنابر آمار منتشره از سوی سازمان ملل متحد، در آستانه زمستان سخت افغانستان، نزدیک به هفت و نیم میلیون نفر از مردم این کشور، با قحطی و مرگ دست و پنجه نرم می کنند. و تازه این همه، در صورتی است که حملات نظامی آمریکا در آینده نزدیک و تأثیرات مرگبار آن را در محاسبه نیاوریم.

در چنین شرایطی، آنچه کمتر مورد توجه رسانه های جهانی قرار می گیرد، وضعیت تأسف بار زندگی زنان افغانی است. تا آنجائی که به زنان ساکن افغانستان بازمی گردد، می دانیم که رژیم طالبان، پس از قدرت گیری در کابل، زنان را از تمامی حقوق قانونی ایشان، همچون حق تحصیل و کار، محروم، و محکوم به خانه نشینی نمود. زنان بیشمار، بدلیل آنکه همسرانشان، یا در جنگ کشته شده اند و یا در یکی از ارتش های درگیر در جنگ داخلی به عنوان سرباز مزدور، به خدمت مشغولند، تنها نان آور خانه به شمار می روند. بسیاری از این زنان، باتوجه به شرایطی که وصف آن رفت، تن فروشی را تنها راه ممکن برای امرار معاش خود و خانواده های تحت سرپرستی شان، می یابند.

و اما وضعیت زنان پناهنده افغانی ساکن در کشورهای مجاور نیز، چندان توفیری با شرایط زندگی خواهرانشان در داخل کشور ندارد. همچنانکه گفته شد، پناهندگان افغانی در کشورهای ایران و پاکستان، اساساً از حقوق شهروندی برابر با مردمان بومی این کشورها، محرومند. در این میان، زنان پناهنده، علاوه بر بی حقوقی عمومی که گریبانگیر تمام افغانی هاست، به صرف زن بودن نیز، ستم مضاعفی را متحمل می شوند که عموماً ناشی از تسلط فرهنگ ارتجاعی پدرسالارانه بر جامعه افغانی های پناهنده و کل جامعه میزبان است. قوانین مدنی کشورهای ایران و پاکستان که هر دو بر قوانین شرع اسلامی استوار است، اصولاً حقوق برابر زنان را منکر شده، مشوق و مروج مردسالاری و برتری مردان بر زنان است. این مسئله در کنار فساد گسترده حاکم بر دستگاه قضایی این کشورها، به همراه بی قانونی رایج در اردوگاه ها و آلودگی نشین های پناهندگان، کوچک ترین شانس

زنان پناهنده برای برخورداری از هرگونه یاری ولو محدود از سوی دستگاه‌ها حکومتی را، از آنها می‌گیرد، بطوریکه اگر به عنوان نمونه زنان ایرانی، هرچند بطور محدود و کاملاً غیرعادلانه و نابرابر، از برخی اختیارات در زمینه تقاضای طلاق برخوردارند، زنان افغانی مقیم ایران، در عمل حتی از همین حقوق نیز محروم می‌باشند.

در این شرایط، زنان پناهنده افغانی، عملاً به عنوان برده خرید و فروش می‌شوند. اخیراً گزارشی از کمیساری عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد در مورد زنان پناهنده افغانی در یکی از روزنامه‌های سوئد منتشر شد که پرده از این تراژدی برمی‌دارد. نکات عمده این گزارش را چنین می‌توان برشمرد: باتوجه به حاکمیت قانون شرع اسلام در کشورهای پاکستان و ایران که سن قانونی ازدواج را برای دختران ۹ سال تعیین می‌کند، سن ازدواج اجباری زنان پناهنده بسیار پایین می‌باشد، بطوریکه بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها را کودکان و نوجوانان زیر پانزده سال تشکیل می‌دهند. این ازدواج‌ها، درحقیقت و در عمل، نوعی خرید و فروش برده هستند، که در جریان آن، دختران خردسال، درازای مبالغ ناچیزی، به عنوان کارگر خانگی و برده جنسی، به فروش می‌رسند. قوانین عرفی و فرهنگ پدرسالارانه حاکم بر جامعه پناهندگان افغانی، و بطورکلی، فرهنگ رایج در کشورهای میزبان این پناهندگان که ازسوی دولت‌های این کشورها نیز حمایت می‌شود، بدرفتاری، شکنجه و در موارد زیادی، قتل این دختران جوان به وسیله همسرانشان را، موجب می‌شوند. در موارد زیادی، کوچکترین خطای سرزده ازسوی زنان - که در عمل به معنای هرگونه نارضایتی شوهران به هر دلیل ممکن است -، به تنبیه بدنی و ضرب و شتم شدید زنان منجر می‌شود. یکی از روش‌های معمول برای تنبیه زنان که چند سالی است که بویژه در پاکستان رواج یافته، به آتش کشیدن زنها ازسوی شوهران و یا سایر افراد خانواده شوهر می‌باشد. گزارش سازمان ملل در پایان تأکید می‌کند که بدرفتاری و ستم مضاعفی که بر زنان پناهنده افغانی روا می‌رود، تنها نتیجه حاکمیت رژیم طالبان نیست، بلکه ریشه در فرهنگ پدرسالارانه دارد که در ساهای اخیر، ازسوی رژیم‌های اسلامی افغانستان تقویت شده است.